

DOI: 10.30495/jss.2022.1961096.1468

**Research Paper**

**Analysis of the fictional characters' Behavior in Layla and Majnun poem by Nizami Ganjavi Based on Lawrence Kohlberg theory of stages of moral development from the sociological perspective of literature**

**Simin Arami**

*Department of Persian Language and Literature, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.*

**Ali Dehghan**

*Department of Persian Language and Literature, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (Corresponding Author). E- mail: a\_dehghan@iaut.ac.ir*

**Zhila Serati**

*Department of Persian Language and Literature, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.*

**Hossein Hajizadeh**

*Department of Persian Language and Literature, Shabestar Branch, Islamic Azad University, Shabestar, Iran.*

A Story especially in didactic genre, in short and brief format, away from the extra unnecessary scene and taken from the text of life, is the best component for introducing the temperament of the literary work creator and the most effective way to prescribe moral norms. In the speech and behavior of the heroes of his stories, Nizami has depicted the nature and identity of an ideal human being. This feature of Nizami's works has caused the moral behavior of fictional characters to be analyzed based on one of the selected and elite contemporary moral theories of the West and the degree of conformity with its stages and levels to be evaluated. Considering the innate nature of human beings, it seems that moral issues have some common elements among human cultures and societies. But sometimes, the multiplicity of moral theories causes the moral codes to have different addresses among different nations. Research in ethical theories based on one of the richest Iranian and Islamic cultural heritages can confirm the superiority of one of these two assumptions. In this article, the moral behavior of the Manzoomeh's people is analyzed for the first time in the framework of a scientific theory. The main goal of this research is to apply Lawrence Kohlberg's theory of moral development in the behavior of allegorical characters of Layla and Majnun poem and to answer the question of whether the moral degrees of the people in the story can be interpreted and analyzed with the theory of Kohlberg's stages of moral development. As a result of this research, five ethical codes have been identified, that each of these codes includes several actions and implies a specific motivation and reasoning, and gives the highest status of Kohlberg's moral development to the morals of the characters in the story. This research has been compiled by the method of content analysis and description with reference to library sources based on the study of publications and books, and despite the researchers' attention to ethical issues in Layla and Majnun, it is a completely new research and has no objective background.

***Conflict of interest:***

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

**Key words:** *Sociology, Lawrence Kohlberg, Layla and Majnun, Moral Development, Nizami.*

## تحلیل رفتار شخصیت‌های داستانی منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای

### بر اساس نظریه مراحل رشد اخلاقی لارنس کلبرگ از منظر جامعه‌شناسی ادبیات

سیمین آرامی<sup>۱</sup>

علی دهقان<sup>۲</sup>

ژیلا صراطی<sup>۳</sup>

حسین حاجی‌زاده<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۱/۵/۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۲۵

#### چکیده

داستان به ویژه در ژانر تعلیمی، در قالب کوتاه و موجز، به دور از هنرنمایی و صحنه‌پردازی‌های زاید بر گرفته از متن زندگی، بهترین مؤلفه برای معرفی خلق و خوی پدید آورنده اثر ادبی و تأثیرگذارترین ابزار برای تجویز هنجارهای اخلاقی است. نظامی در گفتار و رفتار قهرمانان قصه‌هایش منش و هویت انسان آرمانی را به تصویر کشیده است. این ویژگی آثار نظامی موجب شده است تا رفتار اخلاقی شخصیت‌های داستانی او بر اساس یکی از نظریه‌های برگزیده و زبده اخلاقی معاصر غرب تحلیل و میزان مطابقت با مراحل و مراتب آن ارزیابی شود. با توجه به زمینه‌های فطری بشر، به نظر می‌رسد که مسائل اخلاقی تا حدودی دارای عناصر مشترکی در میان فرهنگ‌ها و جوامع انسانی باشد. اما گاهی تعدد و تکثر نظریات اخلاقی چنان می‌نماید که کدهای اخلاقی در میان ملل مختلف نشانی‌های متفاوت داشته باشند. پژوهش در نظریه‌های اخلاقی بر مبنای یکی از غنی‌ترین میراث فرهنگی ایرانی و اسلامی، می‌تواند بین این دو فرض یاد شده برتری یکی را تأیید کند. در این مقاله رفتار اخلاقی اشخاص منظومه برای نخستین بار در چارچوب یک تئوری علمی تحلیل می‌شود. هدف اصلی این پژوهش کاربرد نظریه رشد اخلاقی لارنس کلبرگ (Lawrence Kohlberg) در رفتار شخصیت‌های منظومه لیلی و مجنون نظامی و پاسخ به این پرسش است که آیا درجات اخلاقی اشخاص داستان منظور قابل تفسیر و تحلیل با نظریه مراحل رشد اخلاقی کلبرگ است؟ در نتیجه این پژوهش «پنج» کد اخلاقی شناسایی شده است که هر یک از این کدها کنش‌های متعددی را در بر می‌گیرد و بر انگیزه و استدلال خاصی دلالت دارد و مقام بالاترین مراحل رشد اخلاقی کلبرگ را به اخلاق شخصیت‌های داستان می‌بخشد. این پژوهش به روش تحلیل محتوا و توصیف با استناد به منابع کتابخانه‌ای مبتنی بر مطالعه نشریات و کتب گردآوری شده است. این موضوع با وجود توجه پژوهندگان به مسائل اخلاقی در لیلی و مجنون نظامی پژوهشی کاملاً جدید است و پیشینه عینی ندارد.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی، رشد اخلاقی، لارنس کلبرگ، لیلی و مجنون، نظامی گنجه‌ای.

۱. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: a\_dehghan@iaut.ac.ir

۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

۴. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شبستر، دانشگاه آزاد اسلامی، شبستر، ایران.

## مقدمه

جامعه‌شناسی ادبیات شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی است که ساخت و کارکرد اجتماعی هنر و ادبیات و رابطه‌ی میان جامعه و هنر و قوانین حاکم بر آن را بررسی می‌کند و به دنبال ژرف‌کاوی و بررسی دقیق روابط میان ادبیات (با دو وجه زبان و هنر) و جامعه است و به پرده‌برداری و ظهور و بروز ابعاد پیچیده و مختلف تاثیر و تاتر میان امر اجتماعی و متن و فرامتن ادبی می‌پردازد. به بیان دقیق، جامعه‌شناسی ادبیات را می‌توان علم مطالعه و شناخت محتوای آثار ادبی و خاستگاه روانی و اجتماعی پدیدآورندگان آن‌ها و نیز تأثیر پابرجایی که این آثار در اجتماع می‌گذارند، تعریف کرد.

در واقع، مطالعه علمی محتوای اثر ادبی و ماهیت آن در پیوند با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی هدف اساسی این شاخه از علم جامعه‌شناسی است از طرف دیگر، اخلاق رشته‌ای است که حد فاصل فلسفه و روان‌شناسی قرار دارد. فلاسفه تلاش می‌کنند تا برای اخلاقی یا غیراخلاقی دانستن بعضی رفتارها توجیهات منطقی ارائه کنند و روان‌شناسان در پی تبیین این مسئله هستند که چرا مردم به شیوه‌های اخلاقی یا غیراخلاقی رفتار می‌کنند.

از منظر فلاسفه اخلاق زمینه‌های رفتار انسان پدیده مشترک و جهانی است که پژوهش‌های علمی می‌تواند به بررسی و تحلیل آن بپردازد. نظریه سطوح و مراحل رشد اخلاقی لارنس کلبِرگ یکی از تئوری‌های جدید در این زمینه است که اخلاق را در مراحل رشد سنی بررسی می‌کند. تئوری کلبِرگ علل رفتار اخلاقی انسان را در موقعیت‌های عادی و بحرانی نشان می‌دهد؛ زیرا «دروندهای اجتماعی مختلف، رشد اخلاقی را بر می‌انگیزانند» (۱۶: ۱۰۷).

لارنس کولبرگ (۱۹۵۸، ۱۹۸۶، ۱۹۷۶) مانند پیازه معتقد است که «رشد اخلاقی اساساً نشأت گرفته از استدلال اخلاقی است که در طی مراحل مختلفی (از کودکی تا نوجوانی) شکل می‌گیرد» (۲۹: ۹۰). از نظر کلبِرگ «میان رشد اخلاقی و رشد روان‌شناختی درجه‌ای از همسانی برقرار است» (۳۷: ۲). وضعیت غایی رشد اخلاقی برای کلبِرگ حاکمیت اصول اخلاقی درونی جهانشمول است که به اعتقاد وی بسیاری از افراد به این سطح از رشد نمی‌رسند.

داستان لیلی و مجنون نظامی از جمله شاهکارهای منظومه‌پردازی عاشقانه در ادب فارسی است که نظامی با جذاب‌ترین و مناسب‌ترین واژه‌ها، در آن به بیان احساسات عمیق عاشقانه می‌پردازد و سیمای عشق را با گرانیگی اخلاقی و پاکدامنی تمام به تصویر می‌کشد و به توصیف عشق افلاطونی یا به تعبیر عرب «حُب‌العذری» می‌پردازد و سراینده داستان، انسانی آگاه، کمال‌جو و عدالت‌خواه است. از این رو رفتار اخلاقی شخصیت‌های داستان نمودی خاص می‌یابد.

تئوری رشد اخلاقی کلبِرگ از جمله رویکردهای استدلال‌محور و روان‌شناسانه به مسئله اخلاق است که پژوهش‌های علمی زیادی بر مبنای آن صورت گرفته است. در این مقاله داستان لیلی و مجنون برای مطالعه علمی بر مبنای نظریه رشد اخلاقی لارنس کلبِرگ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و با وجود

رویکرد ویژه پژوهندگان به مسائل اخلاقی در خمسه نظامی موضوعی کاملاً جدید است و پیشینه عینی ندارد.

تاکنون محققین مختلفی به بررسی موضوعات اخلاقی در متون ادبی شعرا و نویسندگان شرق و غرب از جمله نظامی پرداخته‌اند، به عنوان مثال: عزیزی (۱۳۹۳)، در مقاله «معیارهای اخلاقی مدیریت اسلامی با نگاهی به اشعار حکیم نظامی گنجوی» فقط به شرح «نه» مورد از معیارهای اخلاقی مدیریت بر اساس اشعار نظامی پرداخته است. طغیانی و حاتمی (۱۳۹۰)، در بررسی «رابطه ادبیات و اخلاق با رویکردی به آثار نظامی گنجه‌ای» در صدد پاسخگویی به این سوال بر آمده‌اند که آیا داستان‌های نظامی اخلاقیند یا ضد اخلاق؟ رابطه اخلاق و ادبیات و به طور کلی هنر چگونه است؟ هم‌چنین ناصری (۱۳۹۸)، در پژوهش «کاربرد اغراض علم معانی در پیام‌های تربیتی در لیلی و مجنون نظامی» به بیان جنبه‌های تربیتی و اخلاقی منظومه لیلی و مجنون از دیدگاه علم معانی با کاربردهای اغراض بلاغی از جمله: ارشاد، ترغیب، تقدیر، تعجیز و طنز و ریشخند و ... توجه نشان داده است. خان‌محمدی و همتی (۱۳۹۴)، نیز در تحقیق «انعکاس آموزه‌های تعلیمی در خمسه نظامی» به بررسی درونمایه‌های تعلیمی منظومه‌های نظامی گنجه-ای و ارزش و اعتبار هنری آثار نظامی در همراهی با آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی وی پرداخته است و عسگری (۱۳۹۵)، در مقاله «صفات اخلاقی عاشق در عاشقانه‌های نظامی» به اجمال اخلاق خسرو، فرهاد، مجنون و ابن سلام را توصیف کرده است.

علاوه بر موارد ذکر شده پژوهشگران دیگری نیز به بررسی تطبیقی اخلاق زیستی اسلامی با اخلاق زیستی سکولار روی آورده‌اند. به عنوان مثال در پژوهش بخشایش و فرزاد (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رشد اخلاقی از دیدگاه اسلام و کلبه‌گر»، کلبه‌گر مراحل را بر اساس محدوده سنی افراد طبقه‌بندی می‌کند، اما اسلام مراحل را مبتنی بر رشد سطح معرفت و شناخت افراد می‌داند یا مطابق بررسی رحمانیان (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رشد اخلاقی در قابوسنامه از دیدگاه کلبه‌گر» قابوسنامه عنصرالمعالی علاوه بر داشتن مراحل رشد کلبه‌گر در بر دارنده مراحل دیگری است که از دین نشأت گرفته است. وی برخلاف کلبه‌گر فقط به ترسیم انواع مراحل رشد اخلاقی بسنده نمی‌کند بلکه درباره شیوه بهره‌وری از افراد دیگر نیز اندرز می‌دهد. هم‌چنین بر مبنای نظریه کلبه‌گر رسیدن به سطح فرا قراردادی در بزرگسالان تقریباً امکان‌پذیر نیست، ولی از نظر عنصرالمعالی با تکیه بر قوانین الهی و مذهب حتی به این مرحله هم می‌توان رسید. بنابر پژوهش سلمان‌زاده و فرهادی (۱۳۹۴)، «بررسی تطبیقی اهداف و روش‌های تربیت اخلاقی از منظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و لورنس کلبه‌گر»، در سیره نبوی، آموزش اساسی‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی است، ولی در شیوه‌های تربیت اخلاقی بر اساس رویکرد کلبه‌گر استدلال و تفکر برای بر طرف کردن تعارض مسائل اخلاقی است. مطابق بررسی «رابطه آموزه‌های دینی والدین و رشد اخلاقی کودکان دبستانی»، شعاع کاظمی و همکاران (۱۳۹۴)، مراحل رشد اخلاقی کودکان هفت تا دوازده سال با الگوی کلبه‌گر همسویی دارد و در مقاله نوروزی و عاطفت دوست (۱۳۹۰)، «تربیت اخلاقی؛ بررسی تطبیقی

دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی و کلبرگ»، مبنای تربیت اخلاقی از دیدگاه کلبرگ «درک و استدلال مخاطبان» ولی از دیدگاه خواجه نصیر «نفس انسانی» است.

نظامی در سیمای قهرمانان داستان‌هایش تصویری از انسان آرمانی را به دست می‌دهد. عنصر اصلی و سازنده شخصیت‌های داستانی او بر محور اخلاق می‌چرخد، اما اخلاق به طرق مختلف و متمایزی تجلی می‌یابد. هدف این پژوهش بررسی امکان تحلیل رفتار اشخاص داستان «لیلی و مجنون» در چهارچوب نظریه رشد اخلاقی کلبرگ و پاسخ به سوالات زیر است:

۱. کدام مسائل اخلاقی در مثنوی لیلی و مجنون نظامی مطرح و برجسته شده‌اند؟

۲. آرای اخلاقی نظامی در مثنوی لیلی و مجنون، با کدام یک از مراحل رشد اخلاقی لارنس کلبرگ مطابقت دارد؟

این پژوهش به روش تحلیل محتوا و توصیف به بررسی رفتارهایی می‌پردازد که نمایانگر رشد اخلاقی کنشگر است، رفتارهایی که به حکم وظیفه و اختیار انجام می‌گیرد و در تمامی موارد انگیزه/ استدلال اخلاقی رفتارهای شخصیت‌های داستان، به توصیف مستقیم یا ضمنی نظر نظامی می‌پردازد.

### بررسی و تحلیل

لیلی و مجنون شخصیت‌های اصلی داستان منظور هستند اما امیرعامری، نوفل، زید، ابن‌سلام، سلیم عامری، سلام بغدادی و شهسوار هر کدام به نحوی در خلق این تراژدی نقش عمده‌ای بازی می‌کنند. تئوری مراحل رشد اخلاقی کلبرگ مبنایی برای ارزیابی و سنجش استدلال‌های اخلاقی این شخصیت‌هاست. بنابراین وجه مشترک رفتارهای اخلاقی این تحلیل در «پنج» عنوان طبقه‌بندی شده است.

### رازداری

اهمیت رازداری و کتم سر تا بدان‌جاست که عقل و زبان با تمام نزدیکی به انسان از شرح و بیان آن عاجزند. نظامی «عشق یار» را راز می‌داند که با مردن آشکار می‌شود. یکی از صفاتی که برای تحقق مدینه فاضله شرط است «رازداری» است. نظامی برای توصیف جامعه آرمانی از هویت‌های ساخته ذهن خود یاری می‌طلبد و آن‌ها را به سمت و سویی که لازم است سوق می‌دهد.

«رازداری» نزد قیس بسیار مهم تلقی می‌شود. وقتی عامریان ناامید از خواستگاری لیلی بر می‌گردند با صحبت از زیبارویان دیگر از قیس می‌خواهند که عشق لیلی را فراموش کند، اما او از تلخی گفتارشان راه صحرا در پیش می‌گیرد و از درد و ناراحتی گریه سر می‌دهد و با خود می‌گوید: سر عشق نهادنی نیست و باید مانند یک راز سربسته و پوشیده بماند و با مردن آشکار گردد.

عشق تو ز دل نهادنی نیست  
وین راز به کس گشادنی نیست  
با شیر به تن در آمد این راز  
با جان به در آید از تنم باز (۴۱: ۹۶).

قیس هر کسی را شایسته آگاهی از اسرار عشق نمی‌داند، پس «فضیلت عشق را باید عزیز و گرامی داشت، زیرا همین فضیلت، نردبان صعود بر فراز عشق‌های معنوی و الهی است» (۴۸: ۱۶۲). او با یک باور و ایمان عمیق به عشق می‌نگرد که موجب کمال اتحاد عاشق و معشوق می‌گردد. این اتحاد به قدری ناگسستنی است که مجنون دیگر نمی‌داند عاشق است یا معشوق، عشقی که آدمی را به سوی عفت می‌راند و آیینۀ ضمیر را صیقل می‌دهد و وسیلهٔ اعتلای روح است. انگیزش مجنون به رازداری بالاترین درجه از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ، مرحلهٔ ششم (فرا قراردادی، جهانشمول و انسانی) همخوان است. «زمانی که قوانین، اصول اخلاقی را نقض می‌کنند فرد بر اساس اصول اخلاقی خود عمل خواهد کرد» (۲۸: ۶۲۴).

رازداری برای لیلی نیز اهمیت والایی دارد. بر اساس روایت نظامی لیلی مأمّن و مکان مناسبی برای گشایش دل خسته نمی‌یابد تا بدور از چشم اغیار آهی سوزناک از آتش دل بر آورد، با بلبل باغ اسرار نهانی را در میان نهد و از نسیم جانبخش نشانی از یار غریب و جدا ماندهٔ خود یابد. او اسیر عشق مجنون است و زندانی حصار تعصب، کوچک‌ترین حرکتش از دید مردم قبیله پوشیده نیست به کُنج باغی پناه می‌آورد تا دور از چشم عیب جویمان و دشمنان دلی خالی کند و رازش پوشیده و پنهان بماند.

در فصل گلی چنین همایون  
تا سبزهٔ باغ را ببیند  
با نرگس تازه جام گیرد  
از زلف دهد بنفشه را تاب  
آموزد سرو را سواری  
لیلی ز وُثاق رفت بیرون  
در سایهٔ سرخ گل نشیند  
با لاله نبید خام گیرد  
وز چهرهٔ گل شکفته را آب  
شوید ز سمن سپید کاری (۴۱: ۱۱۷).

نی نی غرضش نه این سخن بود  
بودش غرض آن که در پناهی  
با بلبل مست راز گوید  
یابد ز نسیم گلستانی  
باشد که دلش گشاده گردد  
نه سرخ گل و نه سرو بُن بود  
چون سوختگان بر آرد آهی  
غم‌های گذشته باز گوید  
از یار غریب خود نشانی  
یا راز دلش نهاده گردد (۴۱: ۱۱۸).

انگیزش لیلی به رازداری از روی ترس از بدخواهان با گزارهٔ مرحلهٔ اول (اخلاق مبتنی بر تنبیه و ترس) از مراحل رشد اخلاقی لارنس قابل تفسیر است. «در این مرحله کودک به راحتی از مراجع قدرت تبعیت می‌کند تا از تنبیه در امان باشد» (۳۳: ۷۰). اما لیلی اگر رازدار نبود و به ناموس خود و قبیله فکر نمی‌کرد دنبال مکان مناسب نمی‌گشت. انگیزش لیلی به رازداری از روی ترس از بدنامی و بی‌آبرویی به ندای

درون و آگاهانه، مقام بالاترین درجه‌ی رشد کلبرگ را به اخلاق او می‌بخشد و با مرحله‌ی ششم (اخلاق‌مداری) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ هم‌ردیف است (۵۳: ۱۰۳).

### صله‌ی رحم

از فضایی که تحت عدالت آمده صله‌ی رحم است. صله‌ی ارحام به معنی «ارتباط با خویشاوندان» اعم از سببی و نسبی است. «صله» به معنای عطا، احسان، دهش و جایزه است و معنای مصدری آن پیوند دادن، نیکی و عطا کردن و ارتباط برقرار کردن می‌باشد (۵). هم‌چنین در لغت به معنای احسان و دوستی آمده است و مراد از «رحم» خویشاوندان و بستگان می‌باشد (۱۰). در جای دیگر اصطلاح صله‌ی رحم به معنای محبت و سلوک داشتن با خویشاوندان و نزدیکان آمده است (۳: ۱۸۸). صله‌ی رحم آن است که خویشان خود را در خیرات که او را باشد شریک سازند (۱۷: ۱۳۳). با استفاده از آیات قرآن و روایات ائمه‌ی معصوم علیهم السلام شیوه‌های صله‌ی رحم را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: صله‌ی رحم زبانی، صله‌ی رحم عملی، صله‌ی رحم قلبی و صله‌ی رحم مالی (۱۱: ۱۶).

بررسی و تحلیل منظومه‌ی لیلی و مجنون نظامی حاکی از توجه ویژه‌ی شاعر به این مسئله است:

### گشاده‌روی

گشاده‌روی و مصافحه از مصادیق «صله‌ی رحم عملی» است (۱۱: ۱۵). گشاده‌روی در معاشرت‌های اجتماعی، در جلب محبت و اثربخشی سخن فرد بر دیگران راه‌گشاست. نوفل در مقابل ناله و زاری مجنون با گشاده‌روی او را به زندگی دلگرم می‌کند.

بر هر سخنی به خنده‌ای خوش می‌گفت بدبیه‌ای چو آتش

خوشدل شد و آرمید با او هم خورد و هم آشمید با او (۴۱: ۱۲۵).

انگیزه‌ی درونی نوفل در کمک به مجنون مرحله‌ی ششم (استدلال مبتنی بر اصول جهانشمول اخلاقی و در نظر گرفتن ارزش‌های مطلق نظیر حرمت زندگی انسان‌ها) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ را تداعی می‌کند. «در این مرحله حتی شکستن قوانین و عرف به نفع اصول اخلاقی والاتر، رفتاری اخلاقی و درست شمرده می‌شود» (۵۱: ۱۴).

### دید و بازدید از اقوام

دید و بازدید از اقوام، گفتگوی حضوری با خویشاوندان و رفتن به خانه‌ی آنها از موارد «صله‌ی رحم عملی» است. سلیم عامری خال مجنون، پیری سره، صاحب هنر، حلال‌زاده، توانگر و متواضع که در چاره‌گری چون سامری ماهر و چربدست است و یدبضا می‌کند به قصد دلجویی و یاری برای نجات مجنون از پریشانی به دیدارش می‌شتابد.

پرسید نشان و جست نامش	مجنون ز شنیدن سلامش
سرکوب زمانه مُمَمر	گفتا که منم سلیم عامر
روی تو به خال نیست در خُورد	خال تو ولی ز روی تو فرد
هم زانوی خویشتن نشاندش	مجنون چو شنید پیش خواندش
آسود به صحبتش زمانی(۴۱: ۲۱۶).	جستش خبری ز هر نشانی

انگیزش دیدار و کمک به مجنون و پیروی از رسوم و قواعد گذشتگان، سلیم را به مرتبه سوم (اخلاق پسر خوب، دختر خوب) از مراتب رشد اخلاقی کلبِری می‌رساند. «در این مرتبه، رفتار اخلاقی با توجه به همکاری با همسالان تفسیر می‌شود. رفتار خوب در این مرحله رفتاری است که اجازه و تصویب دیگران را به همراه داشته باشد و موجب خشنودی آنها شود» (۲۱: ۵۰).

#### نوعدوستی

نوعدوستی نیز از مصادیق «صله رحم قلبی» است. آرزوی قلبی برای سعادت‌مندی خویشان در دنیا و آخرت، دعا برای دفع بلاهای دنیوی و اخروی، آرزوی تداوم نعمت‌های موجود، محبت‌ورزی به آنان و به یاد یکدیگر بودن از موارد صله رحم قلبی است (۱۱: ۱۶). نوعدوستی اساساً یک ارزش والای اجتماعی و یک تکلیف اخلاقی اجتماعی است که تضعیف آن می‌تواند منجر به اختلال رابطه‌ای در جامعه گردد (۲: ۸۸). برخی نظریه‌پردازان در تبیین رفتارهای نوعدوستانه به نقش هنجارهای اجتماعی اشاره می‌کنند و معتقدند: «رفتارهای نوعدوستانه، ریشه در میزان درونی‌سازی هنجارهای متقابل، انصاف و مسئولیت اجتماعی دارد» (۲: ۹۰-۸۷). بر اساس این پارادایم دیدار سلیم عامری از مجنون، به انگیزش درونی و احساس مسئولیت‌پذیری او در برابر اجتماع بر می‌گردد. سلیم عامری وقتی به دیدار مجنون می‌رود از مشاهده وضعیت رقت‌بار او دلش به درد می‌آید و جامه تنی که با خود در بار داشت به مجنون می‌دهد و عذر بسیار می‌آورد و می‌گوید: جامه حلال است بپوش.

چون یافت سلیمش آن چنان عور	بی گور و کفن میان آن گور
آن جامه تنی که داشت در بار	آورد و نمود عذر بسیار
کاین جامه حلالی است در پوش	با من به حلال زادگی کوش(۴۱: ۲۱۶).

سلیم دل‌نگران مجنون است و به قصد کمک، سلامتی و روان خود را به خطر می‌اندازد. انگیزه او برای این رفتار «نوعدوستی» است که با مرحله ششم (اخلاق‌مداری) از مراحل رشد اخلاقی کلبِری قابل مقایسه است. «اعمال فرد مطابق با اصولی اخلاقی هدایت می‌شوند که فرد خود برگزیده است. فرد از آن رو این اصول را رعایت می‌کند که نزد خود شرم‌نده و مقصر نباشد. در این سطح اعمال بر اساس اصول اخلاقی برین ارزیابی می‌شوند» (۵۳: ۱۰۳).



مجنون به دلیل عادت به زندگی با ددان از پوشیدن لباس امتناع می‌ورزد با این احساس که قبول جامه مجازات تنهایی و دوری از آن‌ها را به همراه دارد.

گفتا تن من ز جامه دور ست  
کاین آتش تیز و آن بخورست  
پندار درو نظاره کردم  
پوشیدم و باز پاره کردم (۴۱: ۲۱۶).

این استدلال مجنون مطابق با نصّ مرحله اول، مجازات‌مداری: (اطاعت از قواعد برای اجتناب از مجازات) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ است (۵۳: ۱۰۳).

### همدردی کردن با دیگران

همدردی کردن با دیگران با انگیزه احترام و دوست داشتن از مصادیق «صله رحم قلبی» به شمار می‌آید. مجنون پریشان حال، به دنبال در به دری‌ها و آوارگی‌های خود در بین راه گوزنی را می‌بیند که در دام صیاد اسیر و گرفتار است. با خشم و ناراحتی از او می‌خواهد دست از ریختن خون بی‌گناه بر دارد. مجنون، پدرا نه به قصد همدردی و غمخواری نزد گوزن می‌آید با مهربانی به تیمار او می‌پردازد و آرزوی وصال و آزادی برای او دارد.

مجنون سوی آن شکار دل‌بند  
آمد چو پدر به سوی فرزند  
مالید چو دوستان بدو دست  
هر جا که شکسته دید می‌بست  
سر تا پایش به کف بخارید  
زو گرد و ز دیده اشک بارید  
گفت ای ز رفیق خویشتن دور  
تو نیز چو من ز دوست مهجور  
بوی تو ز دوست یادگارم  
چشم تو نظیر چشم یارم  
در سایه جفت باد جای  
وز دام گشاده باد پایت (۴۱: ۱۴۶).

مجنون مهجوری گوزن در دام صیاد را با جدایی خود از لیلی می‌سنجد و به شدت علاقه‌مند است دست نوازشگر پدر اندکی از تألمات روحی او بکاهد، منتهی چون پدر را از دست رفته می‌بیند اشک حسرت و ندامت می‌ریزد و برای تسلی خود، پدرا نه دست نوازش بر سر گوزن می‌کشد و او را تیمار می‌دارد و سعی می‌کند از این طریق اندکی آرام و قرار یابد. انگیزه همدردی مجنون با اصول مرحله سوم (اخلاق پسر خوب، دختر خوب) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ مطابقت دارد. «در این مرحله، رفتار اخلاقی با توجه به همکاری با همسالان تفسیر می‌شود. رفتار خوب در این مرحله رفتاری است که اجازه و تصویب دیگران را به همراه داشته باشد و موجب خشنودی آن‌ها شود. به دلیل کاسته شدن از خودمداری کودک که با مرحله عینی همراه است، کودک می‌تواند خود را به جای دیگران بگذارد. بنابراین در قضاوت‌های اخلاقی خود احساسات دیگران را در نظر می‌گیرد» (۲۱: ۵۰).

شریک بودن در غم و شادی یکدیگر و اظهار همدردی نیز از مصادیق «صله رحم عملی» است. وقتی زید خبر درگذشت ابن سلام را به مجنون می‌دهد مجنون پس از اظهار شادی به حالش می‌گرید.

کآن رهزن کاروان کامت	برخاست ز راه ننگ و نامت
رفت ابن سلام و جان ترا داد	باقی تو بزی بقا ترا باد
مجنون که نواله ای چنان خورد	در دور فلک نظاره‌ای کرد
زد نعره‌ای آن چنان شغبناک	کافتاد هزاهزی در افلاک
که رقص و نشاط کرد از آن شور	که دید خیال خود در آن گور
از یک چپشش خوش آمد آن کار	کز دامن گل بریده شد خار
وز روی دگر حساب آن کرد	کاو نیز همان خورد که او خورد
آن خنده که طبع خواست نمود	بگریست که عقل گریه فرمود (۴۱: ۲۵۷).

نظامی در این داستان زید را حامل پیامی به مجنون می‌داند چرا که زید نیز مانند مجنون از عشق نازنینی بی‌نصیب مانده است و آرزوی وصال او را دارد. بنابراین برای مجنون آوردن پیام از زبان کسی که سرنوشتی مشابه او دارد لذت‌بخش و شادی‌آفرین است تا از زبان قاصدی دیگر. زید با شنیدن خبر مرگ ابن سلام و آگاهی از عشق شدید و دیرینه مجنون به لیلی، یقین دارد مجنون از خوشحالی جانی تازه می‌گیرد و می‌تواند با فراغ دل لیلی را به دست آورد، ولی مجنون پس از شادی از این که خاری از دامن گل برداشته شده است اظهار تأسف و ناراحتی می‌کند و می‌گرید. مجنون عشق ابن سلام به لیلی را بر نمی‌تابد ولی پرداختن به شادی را دور از جوانمردی می‌داند. استدلال این منش مجنون، موضوع مرحله ششم (اخلاق مبتنی بر اصول جهانی) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ است. «فردی که به مرحله ششم رسیده است می‌اندیشد که یک عمل درست عملی است که با دستورات وجدان وی مطابقت داشته باشد» (۲۳: ۷۳).

### عدالت خواهی و دادگری

«عدالت ملکه‌ای است حاصل در نفس انسان که به سبب آن قادر می‌شود بر تعدیل جمیع صفات و افعال و نگاه داشتن در وسط و رفع مخالفت و نزاع فی‌مابین قوای مخالفه انسانی، به نحوی که اتحاد و مناسبت و یگانگی و الفت میان همه حاصل شود» (۳۶: ۷۸). از نظر افلاطون عدالت «مستلزم همه فضائل بود» (۵۶: ۱۴۳). اما در اشعریت و از جمله در نظر غزالی هر چه مالک در ملک خود انجام دهد عادلانه خواهد بود (۵۷: ۱۱). در جوامع خودکامه «مفهوم عدل در واقع به معنی برقرار کردن امنیت و عدم ظلم و تعدی افراطی به افراد تلقی می‌شد» (۳۰: ۷۲). بنابراین عدالتی که در نگرش و گزارش نظامی گنجه‌ای آمده است غالباً در این محدوده قرار می‌گیرد. تأکید بیش از حد نظامی بر موضوع عدالت که پایه مدینه فاضله است، تصادفاً بیانگر اعتقاد عمیق وی به فلسفه حکومت خردمندان و حکیمان و اداره کشور بر مبنای خرد است (۴۸: ۱۸۹).

شهرت و آوازه عشق مجنون، لیلی را خانه‌نشین و بی‌آبرو می‌کند. لیلی در میان قبیله‌ای تربیت یافته است که کوچک‌ترین دلبستگی و تعلق خاطر معصومانه و مکتبی را مقدمه فساد، انحراف و گناه کبیره می‌داند. بنابراین وقتی سر عشق لیلی و مجنون عالمگیر می‌شود و به دست ناکسان و فرومایگان می‌افتد خویشاوندان لیلی از شرم رسوایی و تعصب حتی رئیس قبیله را نیز آگاه می‌کنند تا در نطفه خفه شود و تقاضای دادگری دارند. حفظ ناموس به حدی مهم و ارزش‌مند شمرده می‌شود که حتی در مورد کودک معصوم حاضر به اغماض نیستند و می‌خواهند مانند یک حیوان با او برخورد شود تا از وبالش در امان باشند.

در خانه غم نشسته مویان

گفتند به شاه آن قبیله

بد نام کن دیار ما گشت

صد پرده دری همی نماید

کاین باد هلاک آن چراغست

تا باز رهیم از وبالش (۴۱: ۱۰۱-۱۰۲).

لیلی ز بد گزاف گویان

شخصی دو سه خویش آن جمیله

کاشفته جوانی از فلان دشت

در هر غزلی که می‌سراید

لیلی ز نفیر او به داغست

چون بز بنمای گوشمالش

انگیزش عمل خانواده لیلی به دادخواهی به دلیل ترس از بدنامی و بی‌آبرویی با گزاره مرحله اول (مجازات‌مداری: اطاعت از قواعد برای اجتناب از مجازات) از مراحل رشد اخلاقی کلبه‌رگ قابل مقایسه است (۵۳: ۱۰۳).

### عشق و اخلاص

آن گونه که از روایت نظامی مستفاد می‌شود، عشق توأم با عصمت و آبرو و راهنمایی کننده به سوی صدق و راستی، عشق مورد نظر نظامی است نه عشق برخاسته از شهوت و تمایلات پست حیوانی.

آن عشق نه، شهوت و هوا نیست

عشقی که ز عصمتش جداییست

شهوت ز حساب عشق دور است (۴۱: ۲۷۱).

عشق آینه بلند نور است

در فضیلت عشق بحث‌های زیادی شده است اما از آن جایی که عشق حاکم بر احوال عاشق است و او را به هر سوی که خواهد می‌کشاند عامل سرزندگی و شادمانی است. برای همین است که امیر عامری عشق را در کعبه می‌جوید و قیس در لیلی، امیر عامری با چاره‌جویی و مصلحت‌اندیشی قیس را به کعبه می‌برد تا لیلی و عشق او را فراموش کند.

بشتاب که جای چاره ساز نیست

کز حلقه غم بدو توان رست

توفیق دهم به رستگاری

زین شیفتگی به راهم آور

آزاد کن از بلای عشقم (۴۱: ۹۸).

گفت ای پسر این نه جای بازیست

در حلقه کعبه حلقه کن دست

گو یارب ازین گزاف کاری

رحمت کن و در پناهم آور

دریاب که مبتلای عشقم

اما قیس بر خلاف پدر فکر می‌کند او معتقد است: اگر کعبه راهگشاست چرا نخواهد او را در عشق لیلی راسخ و استوار کند. قیس در همه چیز و در همه جا لیلی را می‌جوید و با شنیدن کلمه عشق منقلب و پریشان حال می‌شود. او چون عاشق و بی‌قرار است دیدگاه دیگران را به حساب نمی‌آورد و سرانجام بر حسب نیاز و خواسته خود یعنی بر اساس لذت حاصل تصمیم می‌گیرد.

اول بگریست پس بخندید	مجنون چو حدیث عشق بشنید
در حلقه زلف کعبه زد دست	از جای چو مار حلقه برجست
کامروز منم چو حلقه بر در	می‌گفت گرفته حلقه در بر
این نیست طریق آشنایی	گویند از عشق کن جدایی
هر لحظه بده زیاده میلی	یا رب تو مرا به روی لیلی
چندان که بود یکی به صد باد	عشقی که چنین به جای خود باد
کاین قصه شنید گشت خاموش (۴۱: ۹۹).	می‌داشت پدر به سوی او گوش

آن چه برای پدر لذت محسوب می‌شود با آن چیزی که برای فرزند لذت است تفاوت دارد. پدر زیارت کعبه را لذت می‌داند و فرزند در کعبه، عشق لیلی را می‌جوید. فرزند می‌گوید: من به زیارت کعبه آمده‌ام کعبه هم کمک کند لیلی را به دست آورم ولی پدر عاشق کعبه است و معتقد است فرزندش تنها از این طریق است که می‌تواند نجات یابد و از عشق لیلی دست بکشد. قیس وقتی حلقه کعبه را به دست می‌گیرد خودش را مانند حلقه می‌داند که در عشق لیلی آویزان است و وجودش وابسته به غیر است و از خود اراده‌ای ندارد و به این کار خرسند است. اما پدر حلقه کعبه را برای توسل و رهایی از غم و رسیدن به کمال و سعادت فرزند می‌خواهد. منشأ عشق و علاقه پدر و قیس هر دو از باور و ایمان قلبی و درونی آن‌ها سرچشمه می‌گیرد و سرانجام به عشقی پاک و مقدس می‌انجامد اما عشق امیرعامری به کعبه و قیس به لیلی چون هر دو با انگیزه شخصی و لذت همراه است ناظر بر گزاره مرحله دوم (اخلاق مبتنی بر پاداش و کسب لذت) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ است. «فردی که در این مرحله قرار دارد به خصوص نتایج مادی اعمال را در نظر می‌گیرد به نظر او اگر نتیجه عمل به سود وی باشد آن عمل درست است چنین فردی ممکن است بر اساس تقابل عمل کند (من این کار را برای تو می‌کنم و تو هم این کار را برای من بکن) ویژگی فرد در این مرحله از نظر اخلاقی لذت‌جویی است» (۲۳: ۷۰).

### عفت و پاکدامنی

«عفت» آن است که شهوت مطیع نفس ناطقه باشد تا تصرفات او به حسب اقتضای رای بود و اثر حریت در او ظاهر شود و از تعبد هوای نفس و استخدام لذات فارغ ماند (۵۶: ۱۱۱). توصیه نظامی به جای شهوت و تسلیم در برابر آن بر ازدواج سالم می‌باشد و در این میان ما بین شهوت و عشق فرق می‌گذارد و برای حفظ عشق پاک بایستی طریقه پرهیزگاری اتخاذ شود. اما عناصری که موجب حفظ عفت می‌شود

بر مبنای آن چه از بیانات نظامی بر می‌آید این‌هاست: خداترسی، شرم و حیا، صبر و اعتقاد به حلال و حرام (۴۸: ۱۲۹).

زناشویی بهست از عشقبازی (۳۸: ۲۱۰).	تو خود دانی که وقت سرفرازی
لیلی پنهانی و دور از چشم رقیب از آتش عشق مجنون می‌سوزد و نوا بر نمی‌آورد.	لیلی که به خوبی آیتی بود
انگشت کش ولایتی بود	با این همه ناز و دلستانی
خون شد جگرش ز مهربانی	در پرده که راه بود بسته
می بود چو پرده بر شکسته	می رفت نهفته بر سر بام
نظاره کُنان ز صبح تا شام	تا مجنون را چگونه ببند
با او نفسی کجا نشیند	او را به کدام دیده جوید
با او غم دل چگونه گوید	از بیم رقیب و ترس بدخواه
پوشیده به نیمشب زدی آه (۴۱: ۱۱۳).	می‌سوخت به آتش جدایی
نه دود درو نه روشنایی	از بس که به سایه راز می‌گفت
همسایه او به شب نمی‌خفت (۴۱: ۱۱۴).	

نظامی در سیمای لیلی، عصیان زن و خویشتن را علیه اجبارهای زیستن ناشی از نظام غلط و غیر انسانی نمایش می‌دهد و شخصیت وی را با آن که به زور و اکراه به ابن سلام داده‌اند طوری می‌پرورد که به جای تسلیم مبارزه کند (۴۸: ۲۲۶). بر اساس روایت نظامی لیلی در زیبایی و دلبری خود آیتی است ولی اسیر و زندانی حصار تعصب است او چون همدم و هم نفسی نمی‌یابد با سایه حرف می‌زند و برای حفظ آبروی خود و خانواده، ناچار است پنهانی به مجنون فکر کند و از سوز دل آه بکشد او دور از چشم ابن سلام به بام می‌رود و تا صبح بیدار می‌ماند در این اندیشه که چگونه مجنون را ببیند و با او به صحبت بنشیند. انگیزش اخلاقی لیلی برای عفت، ترس از بی‌آبرویی است. دلیل او با اصول مرحله ششم (فرا قراردادی، جهانشمول و انسانی) از مراحل رشد اخلاقی کلبرگ منطبق است. «در مرحله ششم عاملیت فرد خاستگاه تعریف تعهد بود دقیقاً به معنای «قوانین از ناحیه خود» زمانی که قوانین، اصول اخلاقی را نقض می‌کند فرد بر اساس اصول اخلاقی خود عمل خواهد کرد» (۲۸: ۶۲۴).

لیلی با مرگ ابن سلام و سپری شدن ایام ماتم شوهر به خانه پدر پناه می‌برد آزر و شکیب را به کناری می‌نهد و پرده از عشق دیرینه خود بر می‌دارد و در پی چاره‌جویی از زید کمک می‌طلبد و با آگاهی فرصت پیش آمده را غنیمت می‌شمارد و تن جامه‌ای نیز از حریر به رسم تحفه به مجنون می‌فرستد، ولی زمانی که زید لیلی را از حضور مجنون آگاه می‌سازد برای ورود از لیلی دستور می‌گیرد.

شد زید و زبیده را خبر داد	کان زر خلیفتی اثر داد
مجنون که رفیق غمخور تست	چون خاک در تو بر در تست
از دور سجد می‌نماید	دستوری اگر بود در آید (۴۱: ۲۶۴).

لیلی با شنیدن خبر آمدن مجنون مشتاقانه از خیمه خود بیرون می‌آید ولی از مشاهده جمال یکدیگر هوش و حواس خود را از دست می‌دهند.

مجنون که جمال دلستان دید	در پرده پای خویش جان دید
برزد شغبی سپهر فرسای	او نیز بیوفتاد از پای
آن زنده ولیک جان سپرده	این جان نسپرده لیک مرده
افتاد دو یار هوش رفته	آواز جهان ز گوش رفته
چون باز رسید هر دو را هوش	ماندند چو نقش نامه خاموش
لیلی به هزار شرمناکی	آمد بر آن غریب خاکی (۴۱: ۲۶۵).

و ناگهان موقع وصال، زبان‌شان از کار می‌افتد و سکوت اختیار می‌کنند و مجنون راه صحرا در پیش می‌گیرد.

حالی که به هم رسیده گشتند	چون صبح زبان بریده گشتند
چون کارد به استخوان رسیدش	رخنه به هلاک جان رسیدش
زد نعره و راه دشت برداشت	تیغ از سر و سر ز طشت برداشت (۴۱: ۲۷۱).

انگیزش مجنون به ترک لیلی پس از وصال جز نتیجه عشق پاک و کمال یافته تعبیر دیگری نمی‌تواند داشته باشد. این فضیلت اخلاقی با مدلول مرحله ششم نظریه کلببرگ (اخلاق مبتنی بر اصول جهانی) مطابقت دارد. «نهایت تحول اخلاقی فرد در این مرحله صورت می‌گیرد به گونه‌ای که با اعتقاد به اصول انسانی و جهانشمول آن چه را آزادانه و آگاهانه اخلاقی می‌داند به اجرا در می‌آورد؛ هر چند بر خلاف منافع و مصالح آن جامعه و ارزش‌های مورد پسند قوانین موجود در آن جامعه باشد» (۲۳: ۷۳).

لیلی چون روی در نقاب خاک می‌کشد جمله اعرابیان از فراق او دلشکسته و نومید می‌شوند و افسوس‌کنان اشک ماتم می‌ریزند اما مزارش از شدت پاکی و تابناکی زیارتگاه خاص و عام می‌شود و دوستداران زیادی را برای تماشا و زیارت از دور و نزدیک به آن جا می‌کشاند.

روضه ش که بهشت دوستان بود	گفتی که بهار و بوستان بود
خاکش ز شکوه و تابناکی	حاجتگه خلق شد ز پاکی (۴۱: ۲۷۹).

این فضیلت نیز کمال اخلاقی شیرین را با مرحله ششم (اصول اخلاقی عالم‌گیر) از مراحل رشد اخلاقی کلببرگ برابر می‌نهد. در دنبال کردن اصول اخلاقی «خود انتخابی» قوانین خاص یا موافقت‌های اجتماعی معتبر هستند، زیرا آن‌ها براساس چنین اصولی (اخلاقی) پایه‌ریزی شده‌اند؛ وقتی که قوانین این اصول را نقض می‌کنند، فرد مطابق این اصول عمل می‌کند (۶: ۹۹).

**جدول شماره (۱): تطبیق دلایل و رفتارهای شخصیت‌های منظومه لیلی و مجنون نظامی با مراحل رشد اخلاقی لارنس کلبوگ**

مرحله	انگیزه/ استدلال	رفتار	عامل	عنوان
۶	پوشیده ماندن سر عشق	رو به صحرا نهادن با شنیدن خبر مخالفت خانواده لیلی با ازدواج او	قیس	رازداری
۱	نیافتن مکان مناسب برای رازگشایی و ترس از عیب جویان و بداندیشان	رفتن لیلی به باغ در فراق مجنون	لیلی	
۶	پوشیده داشتن سر عشق و ترس از بدنامی و بی-آبرویی			
۶	کمک و دلگرمی	پذیرا شدن به شنیدن سخنان مجنون با گشادرویی	نوفل	صله رحم: گشاده‌رویی
۳	پیروی از رسوم و قواعد گذشتگان	رفتن به دیدار مجنون	سلیم عامری	دید و بازدید از اقوام
۶	مشاهده وضع رقت بار مجنون و نوعدوستی	دادن تن جامه خود به مجنون	سلیم عامری	نوعدوستی
۱	ترس از تنهایی و جدایی از ددان	نپذیرفتن تن جامه سلیم عامری	قیس	
۳	همدردی کردن با دیگران و تسلی یافتن	تیمار گوزن و عطوفت و مهربانی	قیس	همدردی کردن با دیگران
۶	همدردی با دیگران و ترس از مکافات عمل	گریستن از شنیدن خبر درگذشت ابن سلام پس از شادی		
۱	ترس از بی‌آبرویی	خانه‌نشین شدن لیلی از عشق مجنون و شکایت خانواده لیلی به رئیس قبیله	خانواده لیلی	عدالت‌خواهی و دادگری
۲	شخصی و درونی	بردن قیس به کعبه برای چاره‌جویی و ترک عشق لیلی	امیر عامری	
۲	شخصی و لذت‌جویی	قیس از خدا می‌خواهد هم‌چنان او را در عشق لیلی راسخ و استوار بدارد.	قیس	عشق و اخلاص
۶	ترس از بی‌آبرویی	پنهانی از عشق مجنون سوختن و نوا بر نیاوردن	لیلی	
۶	عفت و پاکدامنی	با دیدن مجنون هوش و حواس خود را از دست دادن و خاموش شدن		عفت و پاکدامنی
۶	پاکی و پاکدامنی	مزار لیلی زیارتگاه خاص و عام بودن		
۶	عشق پاک و کمال یافته	ترک لیلی پس از وصال	قیس	

در منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای اخلاق شش نفر از شخصیت‌های داستانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت که در مجموع از میان پنج فاکتور اخلاقی ۱۵ کنش اخلاقی شناسایی شد. ۱۰ کنش به شخصیت‌های اصلی داستان، قیس و لیلی ارتباط پیدا می‌کند که شش مؤلفه اخلاقی به کنش قیس و چهار مؤلفه به کنش لیلی دلالت دارد. از مجموع شش مؤلفه اخلاقی قیس سه کنش اخلاقی «رازداری»، «پای‌بندی به عفت» و «همدردی با دیگران» و از چهار مؤلفه اخلاقی لیلی، چهار کنش اخلاقی «عفت»

(با سه کنش) و «رازداری» مقام برترین مرحله از مراحل رشد کلبه‌گرا را به اخلاق آن‌ها می‌بخشد. چهارمین شخصیت از منظومه به کنش اخلاقی نوفل مربوط است که با کنش «گشاده‌روی» مرحله ششم از مراحل رشد اخلاقی کلبه‌گرا را تداعی می‌کند. پنجمین شخصیت از منظومه به کنش اخلاقی سلیم عامری متوجه است که با کنش «نوعدوستی» با نص مرحله ششم کلبه‌گرا همخوان است و آخرین شخصیت به کنش اخلاقی خانواده لیلی منحصر است که انگیزه ترس از بی‌آبرویی موجب آن شده است و با مرحله اول رشد اخلاقی کلبه‌گرا مطابقت دارد. به این ترتیب لیلی، قیس، نوفل و سلیم عامری بر اساس تئوری رشد اخلاقی کلبه‌گرا هر کدام مراتبی از بالاترین مراحل رشد اخلاقی را مختص خود می‌گردانند. قیس با کد اخلاقی «همدردی با دیگران» با انگیزه دوستی گوزن و سلیم عامری با کد اخلاقی «صله رحم» با انگیزه دید و بازدید از اقوام هر کدام با کنش دیگر مرتبه سوم از مراتب تئوری رشد اخلاقی کلبه‌گرا پشت سر می‌گذارند. قیس و امیر عامری با فاکتور اخلاقی «عشق و اخلاص» با انگیزه شخصی مرحله دوم کلبه‌گرا را تداعی می‌کنند و لیلی با مؤلفه اخلاقی «رازداری» با انگیزه ترس از مجازات و بدنامی و قیس با مؤلفه اخلاقی «نوعدوستی» با انگیزه ترس از تنهایی با مرحله اول از مراحل رشد اخلاقی کلبه‌گرا قابل مقایسه‌اند. از دو نقطه مهم علمی در بررسی نباید غافل بود نخست کمالات اخلاقی اغلب در بالاترین مراحل رشد اخلاقی کلبه‌گرا جای دارد چنان که در این پژوهش «نه» کنش از مجموع ۱۵ کنش در مرحله ششم کلبه‌گرا قرار دارد و دیگر این که نمی‌توان ریشه استدلال را دقیقاً به یکی از مؤلفه‌های رشد سنی و یا رشد عقلی منحصر دانست، زیرا این مسئله نیازمند بررسی‌های میدانی است.

### بحث و نتیجه‌گیری

رشد اخلاقی فرآیندی است که به بهبود شاخصه‌های اخلاقی منجر می‌شود. برخلاف نظریه افلاطون که معتقد است: هم رشد عقلایی و هم رشد اخلاقی در بستر توالی ویژه‌ای از مراحل محقق می‌شوند به گونه‌ای که تا فرد مراحل پایین‌تر را طی نکند قادر نخواهد بود به مراحل بالاتر دست یازد (۲۶: ۱۱۷). کلبه‌گرا به رابطه مستقیمی بین رشد اخلاقی و سن قائل نیست. بررسی و تحلیل منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای و مطابقت رفتارهای شخصیت‌های اخلاقی با مراحل رشد اخلاقی کلبه‌گرا، بیانگر این واقعیت است که رشد اخلاقی همزمان با سایر مراحل می‌تواند رشد یابد و نیاز به طی مراحل پایین‌تر نیست. هدف اصلی این مقاله بررسی «رشد اخلاقی» در داستان لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای است؛ بنابراین آن چه در محدوده این پژوهش قرار می‌گیرد «فضایل اخلاقی» است. بررسی و تحلیل اخلاق شخصیت‌های داستان نشانگر سطوح مختلف اخلاق در رفتار کنشگران است و قابل انطباق و مقایسه با تئوری مراحل رشد اخلاقی کلبه‌گرا است. از آن جایی که مبنای این نظریه «شناخت و استدلال عامل اخلاقی» است؛ در منظومه لیلی و مجنون نظامی «پنج» کد اخلاقی شناسایی شده که هر کدام بر انگیزه یا استدلال خاصی استوار است. با این پارادایم مقوله رشد اخلاقی قابل تسری و انطباق در تمام سطوح سنی



است. بر اساس این پژوهش هر کدام از شخصیت‌های مورد تحلیل مراتبی از رشد اخلاقی را طی کرده‌اند، اما این فضیلت در رفتار قهرمانان اصلی داستان (لیلی و قیس) نمود بیشتری دارد. از آن جایی که قهرمانان داستان زاینده ذهن خلاق داستان‌پرداز است و به مهره‌های از پیش طراحی شده‌ای می‌مانند که موقعیت و حرکت آن‌ها را نویسنده داستان تعیین می‌کند. بنابراین نظامی برای رسیدن به یک نتیجه مطلوب که همان «جامعه آرمانی» یا به تعبیری «مدینه فاضله» است بر اساس نقش، آن‌ها را در سطوح مختلفی از مراحل رشد اخلاقی قرار می‌دهد. در واقع این خود نویسنده منظومه است که به نیابت از قهرمانان داستان بر حسب نیاز ایفای نقش می‌کند. نظامی در بیان رفتارهای متفاوت کنشگران از بازنمود فضای سیاسی و ذکر رویدادهای تاریخی داستان غافل نیست و با توجه به استعداد بی‌نظیر خود در خلق صحنه‌ها و واژه‌پردازی خواننده را در جریان اوضاع و احوال عصر خود قرار می‌دهد. نگارنده با تحلیل منظومه لیلی و مجنون نظامی گنجه‌ای نتیجه می‌گیرد:

- رشد اخلاقی ارتباطی با رشد سنی ندارد. چه بسا، رشد اخلاقی قهرمانان اصلی داستان (لیلی و قیس) در مقام مقایسه با کنش اخلاقی دیگر شخصیت‌ها (قبیله و خانواده لیلی و قیس) که بیشتر بر اساس نفع شخصی (مرحله دوم) و یا جلب رضایت و اعتماد دیگران (مرحله سوم) و یا اطاعت بی‌چون و چرا از قانون (مرحله چهارم) که قابل ارزیابی با مراحل پایین تئوری رشد اخلاقی کلبیگ است؛ مراتب بالای رشد اخلاقی را به خود اختصاص دهند.

- همان طوری که از دید کلبیگ عدالت غایت هر رشد اخلاقی است. در بین کنشگران و قهرمانان داستان نیز، رویکرد به عدالت بر اساس تئوری رشد اخلاقی کلبیگ در درجات متفاوتی قابل مشاهده است.

- رشد اخلاقی از عامل درونی فرد پیروی می‌کند و آموزش و محیط در منصفه این رفتار چندان کارساز نیست.

- تئوری رشد اخلاقی کلبیگ نمونه جانب‌دارانه نیست و بر هر دو جنس زن و مرد حتی کودک قابل اطلاق و بررسی است.

- شش مرحله رشد اخلاقی در کل منظومه لیلی و مجنون قابل اجراست.

- رشد اخلاقی نظامی با توجه به رفتار فرا قراردی و اخلاق مبتنی بر اصول جهانی در مرحله ششم و در اوج کمال یافتگی تئوری کلبیگ قرار می‌گیرد.

- زنان مراحل بالای رشد یافتگی را طی می‌کنند و در مواردی به اصلاح و تربیت مردان می‌پردازند. اختصاص فضیلت عفت به لیلی تأیید می‌کند او صاحب مقام قهرمانی داستان است.

- 
- نظامی برای طرح مسائل اخلاقی از شیوه‌دستان‌سراییی بهره می‌جوید و علاوه بر اشراف به سایر علوم در «علم روان‌شناسی» برجستگی خاصی دارد. کلبرگ نیز برای طرح موضوعات اخلاقی از یک سری معماهای اخلاقی بهره می‌جوید.
  - فضایل اخلاقی موصوف در این منظومه از قبیل: رازداری، عفت و ... بیانگر رشدکمال اخلاقی نظامی است که از فرهنگ دیرین این آب و خاک سرچشمه می‌گیرد.
  - علی‌رغم اختلافات مذهبی در اخلاق زیستی اسلامی و سکولار وجوه اخلاقی مشترکی در بین تمام فرهنگ‌هاست (عدالت، نعدوستی، رازداری و ...) که حکایت از وجود منبع واحد به نام فطرت دارد.

#### تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

## منابع

1. Abbasi, Sh. G; Mahmoud, A. (2011). "Transparency of Islamic Bioethics and Secular Bioethics", *Bioethics Quarterly*, First Year, No. 1, P.p: 103-137.
2. Ahmadi, S. (2009). "Study of altruism in everyday social relations and the factors affecting it", *Iranian Journal of Sociology*, Volume 10, Number 2, P.p: 87-108.
3. Al-Munjad Fi Al-Lagheh, Louis Ma'luf. (2008). Islam Publications.
4. Alvani. S. M; Hassanpour, A.; Davari, A. (2010). "Analysis of organizational ethics of employees using the model of ethics circle", *Quarterly Journal of Ethics in Science and Technology*, Volume 5, Numbers 3 and 4, P.p: 25-34.
5. Amid, H. (2010). Farhang Persian Amid, Farhang Publications
6. Asareh; Mehdizadeh Tehrani, A.; Amini Zarrin, AS; Azimi, Sh. (2017). "A Critique of the Development Theory of Moral Judgment by Lawrence Kelberg, A Study in the Multilateral Study of Kelberg Theory and Providing Guidance on His Developmental Stages", *Quarterly Journal of Education*, No. 134, P.p: 112-193.
7. Asgari, M. (2016). "Moral Traits of a Lover in Military Romance", *National Conference on Lyrical Literature*, Islamic Azad University, Najafabad Branch, P.p: 1-14.
8. Azizi, B. (2014). "Ethical Criteria of Islamic Management with a Look at the Poems of Hakim Nezami Ganjavi", *International Conference on Management*. Tehran, December 22, P.p: 462-479.
9. Bakhshayesh, p.; Farzad, M. (2014). "A Comparative Study of Moral Development from the Perspective of Islam and Kalberg", *International Congress of Culture and Religious Thought*, Qom: Cultural Engineering Steering Center of the Provincial Public Culture Council, Bushehr under the auspices of Civilica, P.p: 339-371.
10. Dekhoda, A. A. (2014). *Dictionary*, Tehran: University of Tehran.
11. Fayyaz, A; Guzli Inanloo, Sh; Ensafi Mehrabani, Q. (2015). "The place of mercy in the Islamic lifestyle and strategies to deal with weakness in mercy from the perspective of the teachings of the Ahl al-Bayt (PBUH)", *the first International Congress of Psychology and Educational Sciences with an Islamic approach*, P.p: 1- 15.
12. Gharamaleki, Faramarz. (2012). *Moral Theory of Mohammad Ibn Zakaria Razi*, Institute of Humanities and Cultural Studies.
13. Ghazali. (1940). *Kemial Saadat*, edited by Ahmad Aram, Markazi, first edition: Tehran.
14. Gibbs, J. C. (1995). *The Cognitive Developmental Perspective*, In Kurtines W. M., & Gewirtz J. L. *Moral Development: An Introduction*. Boston: Allyn & Bacon.
15. Hatami, H. (2011). "The Relationship between Literature and Ethics with an Approach to Ganja'i Military Works", *Journal of Educational Literature*, Third Year, No. 10, P.p: 63-82.
16. Jahangirzadeh, M. R. (2011). "Cognitive Perspectives on Transformation in Moral Development", *Moral Knowledge*, Volume 2, Number 4, P.p: 102-122.
17. Jahed, M. (2011). "Treatise on Ethics" Jalaluddin Davani, *Payam Baharestan*, Volume 2, Year 4, No. 14, Tehran: P.p: 126-137.
18. Javidan, f; Dehgant, M.S.; Shamsi Gushki, A; Abbasi, M. (2012). "Analysis of Kohlberg Theory of Moral Development with a Quranic Approach", *Bioethics Quarterly*, Second Year, No. 6, P.p: 11-48.
19. Johnson, R. (?). *Kant's Philosophy of Ethics* (Stanford Encyclopedia), translated by Mehdi Akhavan, Secretary of Massoud Alia Collection, Pejmana Press, Tehran: Phoenix.

20. Kaboli, M. R; Qarjaloo, Ed. (2013). Stages of Moral Development in Children, No. 186, P.p: 19-29.
21. Kadivar, P. (1999). Psychology of Ethics, first edition, Tehran: Ad.
22. Kant, A. (1990). Foundation for the Metaphysics of Ethics (translation of the book Immanuel Kant Grundlegung Zur Metaphysik der Sitten.), Translated by Hamid Enayat; Ali Qaisari, Kharazmi, Tehran: Golshan.
23. Karimieh, A. (2009). Developmental Psychology of the stages of moral formation in children (with emphasis on transformational approaches), Second Edition, Tehran: Abed.
24. Khan Mohammadi, MH; Hemmati, IHA. (2015). "Reflection of educational teachings in the fifth military", Journal of Educational Literature, Year 7, No. 27, P.p: 100-126.
25. Khajeh Nasir al-Din Tusi and Kalberg ", Moral Knowledge, 2 (2), P.p: 53-68.
26. Khazai z; Ramadan, N. (2013). "Moral Development: Its Principles and Methods according to Plato", Quarterly Journal of Qom University: Fourteenth Year, Third and Fourth Issues, P.p: 100-118.
27. Kohlberg, L. (1976). Moral stages and moralization: The cognitivedevelopmental, In Moral development and behavior: Theory, research and social issues, ed. T. Lickona, New York: Holt, Rinehart and Winston.
28. Kohlberg, L. (1984). Essays on moral development, Vol. II, The psychology of moral development, San Francisco, CA: Harper & Row.
29. Lotfabadi, H. (2005). "Critique of the theory of moral development of Piaget and Kohlberg and Bandura and presenting a new model for research in the moral development of Iranian students", Quarterly Journal of Educational Innovations, No. 11-76.
30. Madan kan, M. (2005). "Mahmoudi Code", Farhangistan Quarterly, No. 27, P.p: 55-81.
31. Maloof, L. (2015). Al-Munajjid, translated by Mohammad Bandar Rigi, Tehran: Islamic.
32. Mohammadi, B. (2012). "Semantic ethnography of the cultural model of" reputation "of meanings, examples and functions", Journal of Anthropology, No. 17, P.p: 132-162.
33. Mosaheb. G Persian Encyclopedia, Franklin Publications, Pocket Books Company.
34. Muharram, R; Sarvari, A. (2016). "Human Identity in the Five Treasures of Systematic Treasure", Textbook of Persian Literature, fifty-second year, new period of the eighth year, first issue (29 consecutive), P.p: 29-44.
35. Muskouyeh Razi, Abu Ali. (1996). Kemiai Saadat (translated by Tahara al-Iraq), translated by Mirza Aboutaleb Zanjani, introduction and corrected by Abolghasem Emamiyya, first edition, point.
36. Naraghi, MA. (1992). Ascension of Happiness, first edition, Qom: Hijrat.
37. Naseri, N. (2019). "Application of the purposes of semantics in educational messages in Lily and Majnoon Nezami", Journal of Persian Literature, No. 34, P.p: 63-96.
38. Nezami Ganjeh,'s. (2007). Khosrow and Shirin, edited by Behrouz Thorotian, fourth edition, Tehran: Amirkabir.
39. Nezami. Ganjehi. (2012). Iqbalnameh, edited by Behrouz Servatian third edition, Tehran: Amirkabir.
40. Nezami. Ganjehi. (2014). Sharafnameh, edited by Behrouz Servatian, second edition, Tehran: Amirkabir.
41. Nezami. Ganjehi. (2015). Leily and Majnoon, edited by Behrouz -Thorotian, fourth edition, Tehran: Amirkabir.

42. Nowruzi, R; Atefat Doost, H. (2011). "Moral education; A Comparative Study of the Perspectives of Khajeh Nasir al-Din Tusi and Kalberg ", *Moral Knowledge*, 2 (2), P.p: 53-68.
43. Pirous, g; Bagheri Khalili, A. A. (2007). "The Secret of Secrecy in Rumi's Mysticism", *History of Persian Literature*, No. 3/59, P.p: 16-32.
44. Rahmanian, Z. (2014). "A Comparative Study of Moral Development in Qaboosnameh from Kelberg's Perspective", *Journal of Literary and Rhetorical Research*, No. 8, P.p: 32-45.
45. Rezaei, M. (2012). "Study of the role of parenting styles in the moral development of female adolescents in Tehran", *Family and Research*, No. 14, P.p: 99-120.
46. Saeidi Sirjani, A. A. (2005). *Simaye Do Zan*, ninth edition, Tehran: Peykan.
47. Salmanzadeh, P.; Farhadi, A. (2015). "A Comparative Study of the Goals and Methods of Moral Education from the Perspective of the Holy Prophet (PBUH) and Lawrence Kelberg", *Journal of Quranic Studies, Letter of Society*, No. 115, P.p: 127-161.
48. Servat, M. (1991). *Treasure of Wisdom in Military Works*, Tehran: Amir Kabir.
49. Shafi'abadi, A. (1993). *Principles of Developmental Psychology*, Tehran: Chehr.
50. Shoa Kazemi, M.; Mir Mohammad Hossein Oshani, S.; Farzaneh, N. (2015). "The Relationship between Parents' Religious Teachings and the Moral Development of Primary School Children", *Research on Islamic Education Issues*, Volume 23, Number 29, P.p: 107-120.
51. Shoaib, F. (2013). *Ethical Judgment*, First Edition, Electronic Publishing, Green Book
52. Slogan. (1986). excerpt from the policy, vol. I, Tehran: Foundation, vol. 1.
53. Smith, Hexma, p.; Frederickson, b; Laftus, c. Bam, d. Marne, A. (2003). *Field of Atkinson and Hilgard's Psychology*, translated by Hassan Rafiei, Mohsen Arjmand, Volume I, Fourth Edition, Tehran: Arjmand.
54. Tahanavi, M. (1983). *Explanation of the Terms of Arts*, Correction Mohammad-Wojie et al., Two volumes, Istanbul Press.
55. Togyani A; Hatami, H. (2011). "The Relationship between Literature and Ethics with an Approach to Ganja'i Military Works", *Journal of Educational Literature*, Third Year, No. 10, P.p: 63-82.
56. Tusi, N. *Nasirean Ethics*, corrected by Mojtaba Minovi- Alireza Heydari. (1985). Tehran, Khaarazmi Publications.
57. Yasrobi, S. (2003). "Imam Mohammad Ghazali and Rationalism and Religiosity", *Journal of the Mind*, No. 11 and 12, P.p: 3-62.
58. Zanjani, M. (1996). *Alchemy of Happiness* (translation of "Purification of Iraq Abu -Ali Muskouyeh Razi", edited by Abolghasem Amani, first edition, Tehran: Nogteh.